

بررسی حجاب در قرآن و وظایف حکومت در برابر آن

علی احمدی خوشرو

چکیده

در این مقاله به بررسی موضوع حجاب در آیات قرآن پرداخته می شود و همچنین وظایف حکومت ها و حکومت اسلامی در برابر این موضوع مهم مورد بحث و تامل قرار میگیرد

کلید واژه

حجاب، قرآن ، شرع ، حکومت ، اسلام ،وظیفه ، تکلیف و...

مقدمه

به گفته اهل لغت، این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. ابن‌دُرَید می‌گوید: «حَجَبْتُ الشَّيْءَ... إِذَا سَتَرْتُهُ، وَالْحِجَابُ السُّتْرُ... إِحْتَجَبْتُ الشَّمْسُ فِي السَّحَابِ إِذَا تَسَتَّرَتْ فِيهِ: حِجَابٌ، پوششی است که روی شیء را فرامی‌گیرد و حجاب یعنی پرده... . زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود، عرب می‌گوید: إِحْتَجَبْتُ الشَّمْسُ فِي السَّحَابِ»

فیومی این واژه را چنین توضیح می‌دهد: «حجب فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده، حجاب می‌گویند؛ زیرا مانع از دیدن است و به دربان، حاجب گفته می‌شود؛ زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می‌گردد، ولی برخی مواقع، به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شود»

از گفتار اهل لغت می‌توان نتیجه گرفت که در زبان عرب، حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن شیئی پوشیده می‌شود. استاد مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه چنین بیان می‌کند که کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشترین استعمال آن به معنی پرده است. این کلمه از آن روی مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوشش حجاب نیست و آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته است و معنای خاصی پیدا نکرده است. شهید مطهری می‌فرماید در قرآن کریم، غروب خورشید را در داستان سلیمان این گونه توصیف می‌کند: حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ؛ یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. تعبیر حجاب با همین معنا در آیه ۵۱ سوره شوری و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به کار برده شده است. در دستوری که امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر نوشته است، می‌فرماید: «فَلَا تَطُولَنَّ احْتِجَابُكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ» یعنی در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن. حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار ده» (نهج البلاغه / ن ۵۳).

حجاب در قرآن

مسئله حجاب در دو سوره از سوره های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به اجمال در آیه ۵۹ سوره احزاب مطرح شده است و آنگاه با تفصیل بیشتری در سوره نور آمده است:

وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ
أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ
أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا

يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ ۖ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ:

و به زنان باایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوسآلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان همکیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند، به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و زنان از کارافتادهای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط اینکه در برابر مردم، خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور، قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْنَ مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ...، کلینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می‌کند که امام باقر(ع) می‌فرماید:

«جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه‌رو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش‌های خود می‌انداختند [در نتیجه، بناگوش و گردن ایشان هویدا بود]. [وقتی زن از کنار

وی گذشت، جوان سر را به عقب برگرداند و همچنان که راه می‌رفت، وی را نظاره می‌کرد و وارد کوچه‌ای شد و در حالی که به پشت سر خود نگاه می‌کرد، به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تکه‌شیشه‌ای که از دیوار بیرون زده بود، برخورد کرد و شکست. وقتی آن زن از نظرش محو شد، نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. [به خود آمد] و گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا می‌رسم و او را از این مسئله خبردار می‌کنم. پس خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جويا شد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (کلینی،

۱۳۸۸ ج ۵:۰)

سیوطی نیز این شأن نزول را به نقل از ابن مردویه از امام علی (ع) نقل کرده است (به نقل از: طباطبائی). از این شأن نزول می‌توان استنباط کرد که اولین آیاتی که در تشریح حجاب و بیان محدوده نظر نازل شده، همین آیات سوره نور است.

وظیفه و اختیار حکومت اسلامی

دانشمندان اسلامی، لزوم پوشش و میزان آن را از آیات و روایات و

سیره مسلمانان برداشت کرده‌اند که در منابع ما موجود است. این که دلایل عقلی و نقلی حجاب بانوان و مقدار آن چیست، در بحث ما نمی‌گنجد. علاقه‌مندان می‌توانند به آثاری که در این زمینه نوشته شده است، مثل مسئله حجاب از استاد مرتضی مطهری مراجعه کنند. برای زنان از ضروریات اسلامی است و هیچ یک از پیروان مذاهب اسلامی در ضرورت آن تردیدی ندارند و هیچ عالم اسلامی نیز ترک آن را جایز نمی‌داند؛ زیرا دستور صریح قرآن است و هیچ توجیه و تأویلی در آن راه ندارد. پرسش این نوشته آن است که آیا حکومت، در راستای ترویج این حکم الهی، حق و وظیفه‌ای دارد یا نه؟ آیا اساساً حکومت می‌تواند در اموری از این قبیل که به نظر بعضی، جنبه شخصی دارد، دخالت کند و رعایت پوشش را الزامی سازد؟ چنانچه برخی از زنان مسلمان به این تکلیف الهی عمل نکنند و به پوشش اسلامی بی‌اعتنا باشند، آیا حکومت می‌تواند آنان را مجبور کند که حجاب را رعایت کنند؟ اگر چنین حقی دارد، دلیل و مستند آن چیست؟ بحث را به صورتی کلی و در قالب وظیفه و اختیار حکومت‌ها در جوامع گوناگون می‌توان دنبال کرد، ولی برای پرهیز از درازگویی و رسیدن به نتایج مشخص، ملموس و کاربردی، بحث را در جامعه اسلامی، متمرکز و (وظیفه و اختیار دولت اسلامی) را در این زمینه تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

، دولت اسلامی نه تنها حق دارد فرهنگ حجاب و عفاف را در جامعه گسترش دهد و بانوان مسلمان و غیرمسلمان را به رعایت پوشش وادار سازد، بلکه این امر در چارچوب یکی از وظایف اساسی دولت اسلامی است که عبارت است از (تحقق بخشیدن به ارزش‌ها، احکام و شریعت

اسلامی). حق و تکلیف دولت است که از رشد (بدحجابی) که معمولاً بی‌بندوباری و بی‌عفتی را در پی دارد، جلوگیری کند و برای آن چاره جدی بیاندیشد. داشتن چنین حق و وظیفه‌ای برای دولت اسلامی، دلایل روشن و قاطعی دارد.

اهداف دولت اسلامی

با اندکی تأمل در اهداف دولت اسلامی و بررسی تفاوت آن با دولت‌های دیگر، اعتراف خواهیم کرد که دولت اسلامی در این زمینه، تکلیفی اساسی برعهده دارد.

اگر هدف از تشکیل دولت، تنها برقراری (نظم و امنیت)، (تأمین نان و مسکن) یا (تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان) باشد، همان‌گونه که در بعضی مکتب‌های سیاسی گفته شده، طبیعی است که از دولت نمی‌توان چنین انتظاری داشت. در این مکتب‌ها، اموری مانند پوشش از امور شخصی است و هر شخصی بنا بر میل و سلیقه خود، نوعی از آن را برای خود انتخاب می‌کند یا اساساً آن را ترک می‌کند و برهنه در اجتماع ظاهر می‌شود. از آن‌جا که این وضعیت جزو حقوق شخصی شهروندان به شمار می‌رود، کسی مجاز به دخالت نخواهد بود. باید دانست در چنین جوامعی نیز با وضع قوانین و مقررات و با تکیه بر ضرورت برقراری نظم،

محدودیت‌هایی را در نظر می‌گیرند و مردان و زنان را به رعایت آن وادار می‌کنند، ولی با فلسفه‌ای که دولت اسلامی دارد، نمی‌تواند در چنین اموری بی‌اعتنا بماند و آن را به میل و سلیقه افراد وانهد. دولت اسلامی افزون بر اهداف مشترک با دیگر دولت‌ها، دو وظیفه و رسالت مهم نیز برعهده دارد که آن را از دولت‌های دیگر متمایز می‌کند. نخستین وظیفه، (رشد و تعالی معنوی و

اخلاقی شهروندان) و وظیفه بعدی، (تحقق احکام اسلامی) است. در نگاه این مکتب، انسان برای رسیدن به کمال آفریده شده و همه چیز برای حرکت او به سوی کمال و سعادت فراهم گشته است. حکومت نیز فرصت و ابزاری برای رساندن انسان به کمال است. دولت به دلیل

قدرت، اختیار و امکاناتی که دارد، در این زمینه دارای مسئولیت است؛ زیرا بدون حضور فعال حکومت، امور اجتماع سامان نمی‌یابد و کمال آدمی که در پرتو زندگی جمعی تحقق یافتنی است، حاصل نمی‌شود. ممکن است در فرض نبود دولت اسلامی نیز عده‌ای به صورت شخصی پله‌های کمال و ترقی را ببینند و بدون اتکا به حمایت دولت، به رشد فکری و معنوی برسند، هم چنان که نمونه‌های فراوانی در طول تاریخ وجود دارد، ولی عموم مردم بدون برخورداری از چنین فرصت و زمینه‌ای و بدون حمایت حکومت نمی‌توانند به قله‌های کمال برسند و استعدادهای نهفته درون خود را به فعلیت برسانند.

فلسفه امامت و رهبری در فرهنگ اسلامی که حکومت یکی از شئون آن به شمار می‌رود، هدایت و ارشاد مردم به کمال‌های اخلاقی و معنوی است. اگر هدف از تشکیل دولت تنها برقراری نظم امنیت و تأمین نان و مسکن مردم بود، نیازی نبود که شخصیتی معصوم و انسانی کامل از جانب خداوند به امامت و رهبری تعیین شود و یکی از وظایفش تشکیل حکومت و اداره جامعه باشد؛ چون این مهم از عهده افراد عادی نیز برمی‌آید. پس درمی‌یابیم که وظیفه دولت اسلامی فراتر از تأمین امور یاد شده است.

وظیفه دولت اسلامی

در اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده به منظور بقای نسل پاک و پاکیزه ارزش فراوانی دارد و به منزله تکمیل نیمی از دین است. هم چنین بر رعایت حقوق پدر و مادر تأکید شده است و طلاق، ناپسند خوانده می‌شود. نگاه به نامحرم و اختلاط زن و مرد بیگانه نیز حرام شمرده شده و (رعایت پوشش) برای تحقق ارزش‌های این مکتب و جلوگیری از پی آمدهای ناگوار و رواج ضد ارزش‌ها الزامی است. بدین ترتیب، باید به خاطر داشت پی آمدهای منفی (کشف حجاب و رعایت نکردن پوشش) گریبان‌گیر همه افراد اجتماع می‌شود. از این‌رو، نمی‌تواند جنبه فردی و شخصی داشته و رعایت کردن یا نکردن آن به انتخاب شخص واگذار شده باشد.

افزون بر آن، چون حکومت اسلامی نسبت به رشد و تعالی اخلاقی شهروندان بی‌اعتنا نیست و در این زمینه مسئول است، وظیفه دارد شرایط و زمینه‌های آن را نیز فراهم سازد که رعایت پوشش در اجتماع از جمله عوامل مهم در این عرصه به شمار می‌رود. از این‌رو، حکومت وظیفه دارد در جهت گسترش فرهنگ حجاب و عفاف، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کند و با به اجرا گذاشتن آن‌ها، جامعه را به سوی رعایت پوشش رهنمون سازد. هم‌چنین آنان را که با التزام عملی خود به احکام دین، زمینه رشد و تعالی مردم را فراهم می‌کنند، تشویق کند. در این صورت، رعایت حجاب، (ارزش) و رعایت نکردن آن، (ضد ارزش) است. زنان باحجاب و عقیف نیز (محترم و مورد تکریم) دولت مردان قرار خواهند گرفت. در مقابل، زنان بی‌حجاب و بدحجاب از احترام و قداستی که یک زن باحجاب از آن برخوردار است، محروم می‌شوند؛ زیرا در فرهنگ اسلامی، معیار ارزش و کرامت انسانی، (رعایت حدود و تقوای الهی) است. پس کسانی که حریم

الهی را شکسته و امر و نهی او را زیر پا نهاده‌اند و به خود و افراد جامعه آسیب می‌رسانند و با این کار، زمینه انحراف اخلاقی جوانان و نوجوانان را فراهم می‌سازند و حقوق دیگران را که خداوند به آنان عطا کرده است، رعایت نمی‌کنند، با کسانی که حریم الهی را پاس می‌دارند و حقوق اجتماعی شهروندان را رعایت می‌کنند و پاس‌دار سلامت اخلاقی جامعه هستند، یک‌سان نخواهند بود.

از این زاویه، دولت اسلامی می‌تواند با سیاست‌ها و برنامه‌های متنوع، زمینه گسترش فرهنگ حجاب را فراهم آورد. بر اساس اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خبرگان ملت و فقیهان و حقوق‌دانان در سال ۱۳۵۸ تدوین کرده‌اند، دولت موظف شده است برای رسیدن به اهداف مندرج در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور شانزده‌گانه مندرج در این اصل به کار گیرد که امر اول، (ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی) است. هم‌چنین بر اساس اصل دهم، (خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی) شمرده شده است که (همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاس‌داری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد). این اهداف با کشف حجاب، بهتر تأمین می‌شود یا با رعایت حجاب؟

بر اساس اصل بیست و یکم قانون اساسی نیز (دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید) و به (ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای

حقوق مادی و معنوی او) بپردازد. آیا رعایت پوشش اسلامی در اجتماع، زمینه بهتر و مساعدتری را برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق او فراهم می‌سازد یا کشف حجاب؟

هم‌چنین بر اساس اصل بیست و دوم قانون اساسی، (حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند). آیا زن مسلمان در پوشش اسلامی بیش‌تر مصونیت دارد و حیثیتش تأمین می‌گردد یا بدون حجاب

منابع

۱. پژوهش نامه معارف قرانی دانشگاه علامه طباطبایی

۲. مساله حجاب علی غلامی

۳. کتاب حجاب شهید مطهری